

## تأثیر قدرت‌های نرم در حال ظهور بر امنیت خاورمیانه

محمد کمروستا، سعید مقیمی، میرابراهیم صدیق<sup>۳</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸

### چکیده:

این تحقیق به تحلیل نقش سه قدرت نرم در حال ظهور چین، هند و روسیه در امنیت خاورمیانه می‌پردازد. در واقع، چین یک قدرت جهانی در حال رشد رویزونیست و دومین اقتصاد بزرگ پس از ایالات متحده است. به همین ترتیب، روسیه نقش جهانی خود را به عنوان یک قدرت بزرگ از دهه ۲۰۰۰ احیا کرده است. همچنین، هند به طور گسترده به عنوان یک "قدرت در حال رشد" در نظر گرفته می‌شود. اکنون پیش بینی می‌گردد که هند در مسیر تبدیل شدن به سومین اقتصاد بزرگ جهان تا سال ۲۰۳۰ باشد. در واقع، از زمانی که اوپاما در سال ۲۰۱۲ استراتژی محوری آسیا را صادر کرد، خاورمیانه نگران تعهدات ایالات متحده در قبال امنیت خلیج فارس بود. آنها قدرت‌های در حال ظهور، به ویژه چین و هند را جایگزینی برای نقش امنیتی ایالات متحده می‌دانند. این تحقیق همچنین برخورد استراتژی‌های قدرت‌های در حال رشد را بررسی می‌کند. توضیح می‌دهد که چگونه تغییر استراتژی قدرت‌های در حال رشد به سمت منطقه برای ملاحظات انرژی یا ژئوپلیتیک بر نقش امنیتی بالقوه آنها در خاورمیانه تأثیر گذاشته است. این تحقیق به بررسی منافع اصلی قدرت‌های نرم در حال ظهور در خاورمیانه می‌پردازد: روابط انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری نیز هست. بحث اصلی این تحقیق این است که قدرت‌های در حال ظهور استراتژی منسجمی برای امنیت منطقه ایجاد نمی‌کنند، بلکه سیاست‌ها یا رویکردهای کوتاه‌مدتی دارند، نه استراتژی‌های مشخص. بحث دوم این است که قدرت‌های در حال ظهور تمایلی به تأمین کننده امنیت در منطقه خاورمیانه ندارند.

**واژگان اصلی:** امنیت، خاورمیانه، استراتژی‌های امنیتی، قدرت‌های نرم در حال ظهور.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران
۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول) [moghimi.kiau@gmail.com](mailto:moghimi.kiau@gmail.com)
۳. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

## مقدمه

منطقه خاورمیانه میزبان یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی جهان برای تجارت جهانی است و تاکنون عمده‌ترین نگرانی کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ غربی در منطقه‌ی خاورمیانه، مسئله‌ی «امنیت» بوده است. به گفته بوزان، «امنیت به دنبال راهی از تهدید و توانایی دولت‌ها و جوامع برای حفظ هویت مستقل و یکپارچگی عملکردی خود در برابر نیروهای تغییر است که آنها را متخاصم می‌داند. نکته اصلی امنیت، بقا است.» براساس این مفهوم سازی، بری بوزان، به جای چارچوب بسیار باریکی که توسط سنت گرایان، شامل امنیت اجتماعی و محیطی و امنیت اقتصادی و مواردی از این دست ایجاد شده بود، چارچوب وسیع تری از امنیت را پیشنهاد کرد. منطقه خاورمیانه همچنین میزبان یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی جهان برای تجارت جهانی است.

دو دهه گذشته شاهد تغییرات قابل توجهی در سیاست جهانی یا «برخورد استراتژی‌ها» بوده است. در این زمینه، هر قدرت در حال ظهور استراتژی خود را برای ملاحظات انرژی و ژئوپلیتیک به سمت منطقه تغییر داد. در این راستا، در حالی که چین، هند و روسیه به سمت غرب، ابرقدرت جهانی چرخش دارند، ایالات متحده به سمت شرق می‌چرخد. به همین ترتیب، در حالی که کشورهای خلیج فارس «سیاست نگاه به شرق» را در پیش گرفتند، هند در دهه ۱۹۹۰ از «سیاست نگاه به غرب» حمایت کرد. و «سیاست غرب عمل کن» هند در سال ۲۰۱۴ توسط نخست وزیر هند، نارندرا مودی، برای گسترش همکاری‌های استراتژیک و اقتصادی هند با منطقه هند و اقیانوس آرام آغاز شد. البته، ترکیه که بخشی از این تحقیق نیست، از سال ۲۰۰۲ نیز «سیاست نگاه به شرق» را اتخاذ کرده است. (پونام ختانا، ۲۰۱۸: ۲۰۲-۱۹۱)

در واقع، امنیت انرژی دلیل اصلی چنین جهت‌گیری‌های استراتژیک بود. بر این مبنای، در حالی که «چین» (هند و چین) وابستگی خود را به نفت خاورمیانه افزایش می‌دهند، واشنگتن واردات نفت خود از این منطقه را کاهش داده است. در حالی که ایالات متحده خواستار «استقلال انرژی» و «پایان دادن به اعتیاد» به نفت منطقه شد، چین خواستار «وابستگی متقابل انرژی» به نفت منطقه شد. در این زمینه، در حالی که چین حدود ۵۵ درصد نفت خود را از خاورمیانه وارد می‌کند، هند حدود ۶۰ درصد نفت و گاز را از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۶ وارد می‌کند. ایالات متحده واردات نفت از خاورمیانه را از ۶۰ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۴۵ درصد در سال ۲۰۱۱ کاهش داده بود و تخمین زده می‌شود که در سال ۲۰۴۰ به ۳۷ درصد کاهش یابد. (جاناردن، ۲۰۱۶: ۳۲-۲۷)

مهمتر از همه، ایالات متحده ممکن است تا سال ۲۰۳۰ از واردکننده اصلی نفت جهان به خودکفایی در انرژی تبدیل شود. مطمئناً، سیاست انرژی واشنگتن نقش مهمی در «محور» اوباما در استراتژی آسیایی در سال ۲۰۱۲ دارد. استراتژی «تعادل مجدد» اوباما در سال ۲۰۱۲ در آسیا و اقیانوسیه یک برنامه استراتژیک برای انتقال منافع استراتژیک واشنگتن به منطقه آسیا و اقیانوسیه، مهار ظهور چین و کاهش دخالت آن در خاورمیانه است. در پاسخ، در حالی که ایالات متحده به سمت شرق می‌چرخد تا چین را در آسیا و اقیانوسیه مهار کند، چین در جاده ابریشم جدید خود در سراسر خاورمیانه بزرگ به سمت غرب می‌چرخد و تهدید می‌کند که از سنگر ژئواستراتژی های آمریکا در این منطقه دور شود. (کامیلا سورنسن، ۲۰۱۶: ۵)

چرخش چین به سمت غرب، استراتژی تعادل ژئواستراتژیک برای همسویی با کشورهای است که روابط مشکل‌زا با غرب یا با کشورهای است که از نظر ژئواستراتژیک در ساحل "چهار دریا" قرار گرفته‌اند - دریای خزر، دریای سیاه، دریای عمان و خلیج فارس. با این حال، این بدان معنا نیست که چین به دنبال به چالش کشیدن ایالات متحده به عنوان تأثیرگذارترین قدرت خارجی در خاورمیانه است. پکن روابط دوجانبه خود با واشنگتن را مهمترین روابط در سیاست خارجی خود در قبال خاورمیانه می‌داند. با این وجود، چین نمی‌خواهد هژمونی غرب در منطقه را تحت الشعاع قرار دهد. چین رسماً اعلام می‌کند که «هرگز به دنبال هژمونی نیست، و رویکرد توسعه نظامی را در حال حاضر یا در آینده، صرف نظر از اینکه اقتصادش چگونه توسعه می‌یابد، اتخاذ نخواهد کرد». مهمتر از همه، استراتژی چرخش به سمت غرب چین با استراتژی حفاظت از شورای همکاری خلیج فارس در قبال واشنگتن از طریق نگاه به شرق برای شرکای جدید همزمان است، که خلأ قدرت و فرصتی را برای چین فراهم می‌کند تا خود را وارد کند. از جمله این راهبردها می‌توان به سفر ملک عبدالله پادشاه فقید عربستان به چین پس از تاجگذاری در سال ۲۰۰۶ اشاره کرد. (شی جانگ زو، ۲۰۱۵: ۵۱-۵۰)

در این زمینه، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از استراتژی تعادل ژئواستراتژیک چین استقبال می‌کنند و به تدریج چین، به ویژه عربستان سعودی را به عنوان جایگزینی برای نقش امنیتی ایالات متحده در منطقه می‌بینند. با توجه به ثروت عظیم اما ضعف نظامی، شرط مطمئنی است که عربستان سعودی در ترتیبات امنیتی متعددی سرمایه‌گذاری کند که به تضمین تداوم حکومت آل سعود کمک می‌کند. در حقیقت، چرخش ایالات متحده به سمت آسیا، چرخش چین به سمت

غرب، رویکرد انرژی وابسته جدید واشنگتن و سیاست انرژی متقابل چین، سیاست "نگاه به شرق" شورای همکاری خلیج فارس، دولت‌ها و مردم خاورمیانه را متقاعد می‌کند که چین قدرت رو به رشد است و ایالات متحده قدرت رو به کاهش است. همچنین این سوال را مطرح کرد که آیا چین ممکن است "ایالات متحده بعدی" در منطقه باشد. (جان آلترمن، ۲۰۱۷: ۱۴-۱۲)

از سوی دیگر، سیاست «غرب عمل کن» هند که هدفش تعامل با ایران و خلیج فارس بود با استراتژی تعادل ژئواستراتژیک چین در تضاد بوده است. در واقع، منافع اصلی هند در خلیج فارس مشابه منافع چین است: امنیت انرژی، روابط اقتصادی و تجاری، امنیت دریایی یا امنیت SLOCها. با این حال، چین رقیب اصلی هند در منطقه خلیج فارس است. هند پروژه عظیم ژئواکونومیک یک کمربند یک جاده (OBOR) را در چین به عنوان تهدیدی برای نفوذ خود نه تنها در منطقه خاورمیانه، بلکه در منطقه هند و اقیانوس آرام، که حوزه اصلی «سیاست غرب عمل می‌کند»، می‌بیند. در واقع، خاورمیانه بخش مهمی از سیاست «غرب عمل کن» هند است. بر اساس تصور استراتژیک و تهدید هند، هند دارای منافع استراتژیک حیاتی است که از منطقه دریای عمان با امتداد طبیعی آن مانند خلیج و دریای سرخ با نقاط تنگه هرمز و باب المندب تا مرکز آسیا با محیط‌های ناپایدار افغانستان و پاکستان امتداد دارد. به همین دلیل، هند چارچوبی برای حفاظت از آزادی دریانوردی در خلیج فارس و تنگه هرمز ایجاد کرد و قدرت‌های ساحلی، منطقه‌ای و جهانی را درگیر کرد.

به همین ترتیب، روسیه از زمان روی کار آمدن ولادیمیر پوتین، استراتژی کلان خود را به طرز چشمگیری تغییر داده است. پوتین استراتژی کلان جدیدی را با سیاست خارجی مبادله‌ای، عمل‌گرایانه، غیرایدئولوژیک و معاملاتی جدید توسعه داد. هدف اصلی چنین راهبردی بازگرداندن وضعیت ابرقدرت روسیه است که با وجود تحریم‌ها علیه ایران و مداخله آن در سوریه در سال ۲۰۱۵ برای محافظت از بشار اسد، رئیس‌جمهور روسیه، خود را در فروش تسلیحات و هسته‌ای روسیه به ایران نشان می‌دهد. (دیمیتری ترینین، ۲۰۱۶: ۱)

در سیاست خارجی معاملاتی پوتین، روسیه از مدل قدیمی شوروی برای حمایت از تعدادی منتخب از کشورها فراتر رفته است و اکنون به دنبال برقراری روابط خوب با همه کشورهای منطقه است. روابط تجاری روسیه با کشورهای خاورمیانه، به ویژه روابط مسکو با ایران و عربستان سعودی از مواردی است که می‌توان به آن اشاره کرد. برای مثال، علیرغم اینکه یک رقیب منطقه

ای هستند، نه یک شریک استراتژیک واقعی، همکاری نظامی را توسعه داده اند. در سوریه به همین ترتیب، روسیه با وجود دیدگاه مشترک آنها در مورد منطقه و همگرایی در حفاظت از رژیم اسد، به نفع خود عمل می کند، نه منافع ایران. در این مشارکت تقسیم بندی، هر شریک هدف خود را دقیقاً تعیین می کرد. هدف راهبردی روسیه این است که نیروی زمینی ایران را برای کمک به نیروهای در دفاع از رژیم سوریه داشته باشد، در حالی که برای ایران پوشش نیروی هوایی برای نیروهای زمینی خود و استفاده از روابط خود با مسکو برای گسترش نفوذ ایران و مقابله با فشار ایالات متحده است. نمونه دیگری از روابط مبادله ای، توافق اخیر روسیه و عربستان سعودی در زمینه تولید نفت است که با وجود دیدگاه های متفاوت در مورد آینده سوریه و تهدید تهران، خود را در توافق دسامبر ۲۰۱۶ برای کاهش تولید نفت نشان می دهد. این با رویکرد استراتژیک معاملاتی، غیرایدئولوژیکی و انعطاف پذیر روسیه در سراسر منطقه سازگار است. (جیمز اسلدن، ۲۰۱۷: ۶-۵)

## ۱- اهمیت و ضرورت موضوع

خاورمیانه منطقه ای پیچیده با ساختاری درهم تنیده و متکثر از ساختار نظام بین الملل است. وقتی صحبت از منابع قدرت های بزرگ برای کسب برتری در نظام بین الملل می شود می توان به دو گونه منابع اشاره کرد: منابع داخلی و منابع خارجی. در منابع داخلی تاکید بر استفاده از امکانات و توانایی های داخلی برای تقویت قدرت است. اما وقتی از منابع خارجی صحبت می شود، در کنار اتحاد با دیگر کشورها، یکی از منابع اصلی امکاناتی است که گستره های جغرافیایی به کشورها عرضه می دارند. خاورمیانه دارای موقعیت ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک خاصی است، به گونه ای که برخی تحلیل گران روابط بین الملل از آن با عنوان قلب جدید نظام بین الملل یاد می کنند.

خاورمیانه در این زمینه بیش از آن که میدان نبرد تقابل قدرت های فزاینده بر سر تامین امنیت منطقه باشد، میدان نبرد این راهبردهای متضاد است.

## ۲- مساله اصلی

### ۲-۱. امنیت انرژی

امنیت انرژی و منافع اقتصادی مهم ترین منافع «چین» در خاورمیانه است. بنابراین، هدف اصلی «چین» ایمن سازی دسترسی به منابع و بازارهای منطقه است. این منطقه برای اقتصادهای

در حال رشد سریع هر دو کشور مهم است. هند چهارمین اقتصاد بزرگ جهان از نظر برابری قدرت خرید است. تا سال ۲۰۳۰، چین و هند به ترتیب بزرگترین و سومین اقتصادها و مصرف کنندگان انرژی جهان خواهند بود که به طور مشترک حدود ۳۵ درصد از جمعیت جهان، تولید ناخالص داخلی و تقاضای انرژی را تشکیل می دهند. (گزارش وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۷: ۴۳)

چین و هند تا سال ۲۰۳۰ ۲۶ درصد نفت عربستان را مصرف خواهند کرد، در حالی که این میزان برای ایالات متحده ۱۷ درصد است. هند حدود ۸۰ درصد نفت خام مورد نیاز خود را وارد می کرد. به همین ترتیب، مهمترین منافع چین در خلیج فارس نفت و گاز طبیعی است. چین از سال ۱۹۹۳ به یک واردکننده خالص نفت تبدیل شده است. علاوه بر این، چین در حال حاضر سومین واردکننده بزرگ گاز طبیعی مایع (LNG) در جهان است. به همین ترتیب، هند در سال ۲۰۰۴ به یک واردکننده خالص گاز طبیعی تبدیل شد. تا سال ۲۰۴۰، چین بیش از ۲۵ درصد از تقاضای گاز جهان را به خود اختصاص خواهد داد. در واقع، چین حدود ۵۵ درصد نفت خود را از خلیج فارس وارد می کند. نکته مهم، همانطور که در جدول (۱) نشان داده شده است، پنج تا از ده تامین کننده بزرگ نفت چین در خاورمیانه قرار دارند: عربستان سعودی، امارات متحده عربی، ایران، عراق و کویت. عربستان سعودی ۲۰ درصد از کل واردات نفت چین در سال ۲۰۱۱ را به خود اختصاص داده است، در حالی که ایران تنها بیش از ۸ درصد از واردات نفت خام چین در سال ۲۰۱۶ یا ۷ درصد را بر اساس گزارش وزارت دفاع ایالات متحده به خود اختصاص داده است. چین در حال حاضر پنجمین مشتری بزرگ گاز طبیعی قطر است که ۶٫۴ درصد از صادرات گاز طبیعی و LNG قطر را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر، انرژی به وضوح نیروی محرکه در روابط خاورمیانه و هند است. بیشتر نیاز هند به نفت و گاز از خلیج فارس وارد می شد. در سال ۲۰۱۶، هند حدود ۶۰ درصد نفت و گاز را از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس وارد می کند. سه تامین کننده بزرگ نفت به هند، عربستان سعودی، عراق و ایران بوده اند. امارات به تنهایی نزدیک به ۱۵ درصد از واردات انرژی هند را از خلیج فارس تامین می کند. علاوه بر این، قطر بزرگترین تامین کننده LNG به هند است که بیش از ۶۵ درصد از واردات جهانی و ۱۵ درصد از صادرات LNG قطر را به خود اختصاص داده است. (پرمناند میشر، ۲۰۱۶: ۸۴-۷۱)

<sup>1</sup> Liquefied Natural Gas

جدول (۱) - تامین کنندگان برتر نفت خام چین در سال ۲۰۱۶ (گزارش وزارت دفاع آمریکا، ۲۰۱۷: ۴۳)

کشور	تعداد (۱۰۰۰ بشکه در روز)	درصد نفت خام وارداتی
روسیه	۱,۰۰۹	۱۳
عربستان سعودی	۸۴۷	۱۱
آنگولا	۷۷۳	۱۰
عراق	۶۴۱	۸
عمان	۶۴۰	۸
ایران	۵۳۱	۷
ونزوئلا	۳۲۰	۴
برزیل	۲۸۸	۴
کویت	۲۷۸	۴
امارات	۲۵۱	۳
سایر	۲,۰۲۹	۲۷
جمع	۷,۶۰۷	۹۹

در مقابل، روسیه یکی از تولیدکنندگان عمده نفت و گاز طبیعی است. روسیه ۲۳ درصد از گاز جهان و ۶,۳ درصد از نفت جهان، ۴۴، ۱۳ درصد از ذخایر نفت شناخته شده جهان و ۳۴ درصد از ذخایر گاز جهان را در اختیار دارد. در واقع، قطر و ایران رقبای اصلی روسیه در بازار گاز هستند. با این حال، روسیه با تولید و ذخایر نفت و گاز طبیعی خود، همچنان نقشی کلیدی در بازارهای انرژی جهان ایفا می‌کند. با این وجود، شباهت بین اقتصادهای رانتی روسیه و خاورمیانه، فرصت‌های همکاری را برای هر دو طرف به ویژه در زمینه حفظ قیمت نفت و تنظیم رقابت در بازار گاز فراهم می‌کند. در سال ۲۰۱۵، روسیه و عربستان سعودی برنامه اجرایی مشترکی را امضا کردند که هدف آن «ایجاد اتحاد نفتی بین دو کشور به نفع بازار بین‌المللی نفت و همچنین کشورهای تولیدکننده و تثبیت و بهبود بازار» است. (پیوتر دو تکیویچ، ۲۰۱۶: ۸)

علاوه بر امنیت انرژی روابط تجاری نیز تامین کننده منافع قدرت‌های در حال ظهور در خاورمیانه است. تجارت دوجانبه بین چین و شورای همکاری خلیج فارس از زمان افتتاح مجمع همکاری عرب چین در سال ۲۰۰۴ به شدت افزایش یافته است. تجارت دوجانبه بین چین و شورای همکاری خلیج فارس از ۱۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۵۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ افزایش یافت. چین در سال ۲۰۱۱ از ایالات متحده پیشی گرفت و به بزرگترین شریک تجاری

عربستان تبدیل شد. در سال ۲۰۱۵، تجارت دوجانبه به ۳۳،۸۲ میلیارد دلار آمریکا رسید. حجم تجارت دوجانبه چین و ایران به طور پیوسته از ۵،۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۳ به ۲۹،۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت و در سال ۲۰۱۱ به ۴۵ میلیارد دلار افزایش یافت. تجارت عربستان سعودی با چین حدود ۱۴ درصد از کل تجارت خارجی عربستان سعودی را تشکیل می دهد. با وجود این رشد سریع تجارت بین دو کشور، اگر اهمیت صادرات نفت عربستان را کنار بگذاریم، حجم کل تجارت بین عربستان سعودی و چین کمتر از ۱،۵ درصد از کل تجارت خارجی چین را تشکیل می دهد. اگر منصف باشیم، سهم خاورمیانه در تجارت جهانی چین نسبتاً محدود است. تجارت دو طرفه چین از جمله واردات نفت چین با تمام کشورهای منطقه و شمال آفریقا در سال ۲۰۰۵ تنها ۴،۲ درصد از تجارت جهانی آن را تشکیل می داد.

### ۱-۲. روابط تجاری

از سوی دیگر، شورای همکاری خلیج فارس بزرگترین شریک تجاری هند است. تجارت دو جانبه هند با کشورهای حاشیه خلیج فارس از دهه ۲۰۰۰ به طور پیوسته افزایش یافته است. سهم منطقه در تجارت جهانی هند ۲۲ درصد بود و آن را به بزرگترین شریک تجاری تبدیل کرد. همانطور که در جدول (۲) نشان داده شده است، شورای همکاری خلیج فارس در مجموع دومین شریک تجاری بزرگ هند است، بزرگترین مبدأ واردات به هند و دومین مقصد بزرگ برای صادرات از هند است. با این حال، به دلیل کاهش قیمت نفت و کاهش رشد بین‌المللی، ارقام تجاری بین سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۶ بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. در نتیجه، کسری تجاری هند با شورای همکاری خلیج فارس از ۴۶ میلیارد دلار به ۱۴ میلیارد دلار در سه سال گذشته کاهش یافته است. از سوی دیگر، تجارت دوجانبه هند و ایران به طور پیوسته افزایش یافته و در سال ۲۰۱۰ به ۱۶ میلیارد دلار رسیده است که نسبت به سال قبل ۱،۴ میلیارد دلار افزایش داشته است. با این حال، حجم کل تجارت دوجانبه نیز در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ به شدت کاهش یافت و به ۹،۰ میلیارد دلار رسید.

### جدول (۲) - جایگاه کشورهای PG در میان ۲۵ شریک تجاری برتر هند در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶

کشور	رتبه بندی	واردات از	صادرات به	مجموع تجارت	سهم درصد
امارات	سوم	۱۹،۴۴۵،۶۸	۳۲۰،۲۹۰،۰۱	۴۹،۳۷۵،۶۹	۷،۷۳
عربستان سعودی	چهارم	۲۰،۳۲۱،۳۳	۶،۳۹۴،۲۳	۲۶،۷۱۵،۵۶	۴،۱۵
عراق	هفدهم	۱۰،۸۳۷،۵۸	۱،۰۰۴،۳۹	۱۱،۸۴۱،۹۸	۱،۸۴



قطر	نهم	۹,۰۲۲,۱۶	۹۰۲,۰۴	۹,۹۲۴,۲۰	۱,۵۴
ایران	بیست و یکم	۶,۲۷۸,۷۵	۲,۷۸۱,۵۱	۹,۰۶۰,۲۶	۱,۴۱

(Kumaraswamy, P.R., "Introduction," pp.1-30, in Kumaraswamy, p.12)

در مورد روسیه، حجم صادرات کشورهای منطقه به روسیه بسیار کم است (۰,۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴). تا سال ۲۰۱۵، سهم GCC در تجارت روسیه کمتر از ۰,۵٪ بود. سهم روسیه در تجارت GCC نیز حداقل است. تا سال ۲۰۱۵، حجم تجارت بین روسیه و اعضای شورای همکاری خلیج فارس کمتر از ۳,۵ میلیارد دلار در مقابل ۵,۵ میلیارد دلار تجارت روسیه و مصر یا ۳۱ میلیارد دلار تجارت روسیه و ترکیه است. از سوی دیگر، ایران مهم‌ترین شریک تجاری روسیه در خاورمیانه با تجارت دوجانبه در حدود ۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ است (افت قابل توجهی نسبت به رکورد ۳,۷ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۸). تجارت روسیه و ایران به ویژه شامل محصولات کشاورزی، مخابرات، هوانوردی، فناوری هسته‌ای و تجهیزات و تسلیحات است. (نودی‌ریک سولیف، ۲۰۱۶: ۱)

#### ۲-۲-۲. سرمایه‌گذاری‌ها

مساله تمایل سرمایه‌گذاری کشورهای چین، هند و روسیه در خاورمیانه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اکثریت قریب به اتفاق فعالیت شرکت‌های چینی در سه بخش انرژی، ساخت و ساز و مخابرات است. بدیهی است که نفت یکی از مهم‌ترین عوامل جذب سرمایه‌گذاری چینی است. با این وجود، در مقایسه با صادرات کالاها و خدمات چین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین (ODI) در منطقه حداقل است. در سال ۲۰۱۰، این مبلغ فقط ۱,۳ میلیارد دلار بود. ایران، الجزایر، عربستان سعودی، امارات و عراق پنج مقصد اصلی سرمایه‌گذاری چینی‌ها هستند. به عنوان مثال، طبق آمار وزارت بازرگانی چین، شرکت‌های چینی در سال ۲۰۱۳ ۱۳۸ پروژه قراردادی با عربستان سعودی امضا کرده‌اند که مبلغ قرارداد ۶,۳۷۵ میلیارد دلار و گردش مالی تکمیل شده ۵,۸۸۴ میلیارد دلار است. به همین ترتیب، بیش از ۱۰۰۰ شرکت چینی در امارات متحده عربی هستند. شرکت‌های چینی صاحب پنج میدان نفتی هستند که چهار میدان نفتی آن در جنوب و یکی در بخش مرکزی عراق واقع شده است. عمان شریک اقتصادی مهمی برای چین

<sup>1</sup> Overseas Direct Investment

است. به عنوان بخشی از ابتکار چین "یک کمربند-یک جاده"<sup>۱</sup>، هر دو کشور در ۲۳ مه ۲۰۱۶ توافقنامه ای برای توسعه یک شهر صنعتی جدید ۱۰,۷ میلیارد دلاری در نزدیکی بندر دوqm تا سال ۲۰۲۲ امضا کردند. به همین ترتیب، سرمایه گذاری مستقیم خارجی چین (FDI) در قطر در سال ۲۰۱۶ به ۷۷,۵ درصد افزایش یافت. از سوی دیگر، سرمایه گذاری چین در ایران از ۷,۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ به ۶۱۵,۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش یافته است. بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، شرکت‌های چینی قراردادهایی به ارزش ۱۲۰ میلیارد دلار در بخش انرژی ایران امضا کردند. (جیمز دروسی، ۲۰۱۶: ۱۶)

پس از کاهش تحریم‌ها به دلیل انعقاد برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در سال ۲۰۱۵ بین ایران و غرب در خصوص برنامه هسته ای تهران حاصل شد، چین سرمایه گذاری های خود را در تهران گسترش داد. در سال ۲۰۱۵، چین سهمیه زیرساخت های ایران را از ۲۵ میلیارد دلار به ۵۲ میلیارد دلار افزایش داده است که عمدتاً برای تسهیل استخراج نفت و گاز است. در سال ۲۰۱۶، هر دو طرف یک پیمان همکاری اقتصادی، سیاسی و نظامی ۲۵ ساله و همچنین ۱۷ توافق نامه از حفاری نفت گرفته تا انرژی هسته ای، پروژه های زیرساختی که ایران را در پروژه بزرگ OBOR تسهیل می کند، امضا کردند.

به عنوان شاهدهی بر افزایش سرمایه گذاری چین در منطقه، چین اکنون در مجموع حدود ۷۴۰۰۰ کارگر در کشورهای حاشیه خلیج فارس دارد، هم کارگران قراردادی در شرکت های خارجی و هم کسانی که در پروژه های همکاری برای شرکت های چینی کار می کنند. تقریباً ۳۵۰۰۰ کارگر در عربستان سعودی، ۱۴۰۰۰ در امارات، ۱۰۰۰۰ در عراق، ۶۰۰۰ در قطر، ۵۰۰۰ در کویت و ۲۰۰۰ کارگر در ایران وجود دارد. دبی دارای بزرگترین جامعه مهاجران چینی خاورمیانه با ۲۰۰۰۰۰ شهروند و حدود ۳۰۰۰۰ شرکت است. ۸۱٪ از سوی دیگر، سرمایه گذاری هند در خاورمیانه مشوق واشنگتن و دولت های منطقه است. (کومار، ۲۰۱۸: ۱۰۹)

سرمایه گذاری هند در بخش انرژی، پروژه های ساختمانی، مخابرات، نرم افزار کامپیوتر و مهندسی سخت افزار، تولید مواد شوینده و دارویی متمرکز شده است. کل سرمایه گذاری مستقیم خارجی هند به عربستان سعودی از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۸ ۲,۰۷ میلیارد دلار بوده است. هند در یک

1 One Belt, One Road

2 Foreign Direct Investment

پالایشگاه و یک پروژه پتروشیمی در عربستان سعودی سرمایه‌گذاری کرده است. از سوی دیگر، هندی‌ها ردپای قوی در بازار امارات ایجاد کرده‌اند. بیش از ۸۰۰ شرکت پیشرو هندی مشاغل خود را در منطقه آزاد جبل علی (JAFZA) افتتاح کرده‌اند و بسیاری از خانه‌های تجاری هندی در دبی و ابوظبی حضور پررنگی دارند. سرمایه‌گذاری متقابل بین هند و عمان در چند سال اخیر به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و حدود ۷,۵ میلیارد دلار آمریکا است. ایران همچنین می‌تواند از تجربه هند در ساخت زیرساخت‌هایی مانند جاده و راه آهن بهره‌مند شود. به عنوان مثال، دو کشور در دسامبر ۲۰۰۹ توافقنامه‌ای را برای ایجاد خط لوله ایران-پاکستان-هند (IPI) به ارزش ۷,۵ میلیارد دلار امضا کردند که منبع ثابتی از گاز طبیعی ایران را برای هند فراهم می‌کند. این پروژه با مخالفت چین و ایالات متحده مواجه شده است. زیرا درآمد بیشتری برای ایران فراهم می‌کند و بنابراین تحریم‌هایی را که برنامه هسته‌ای آن را هدف قرار می‌دهد، تضعیف می‌کند. چین به عنوان بیان مخالفت با IPI، با افزایش چشمگیر نیازهای انرژی‌اش، علاقه شدیدی به پیوستن به پاکستان برای ساخت خط لوله گاز از ایران نشان داده است. (ملکومیان، ۲۰۱۵: ۱۲)

از سوی دیگر، هندی‌ها بزرگترین نیروی کار خارجی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند. طبق آمار وزارت امور خارجه هند، تا دسامبر ۲۰۱۶، نزدیک به ۸,۴۹ میلیون هندی خارج از کشور در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس زندگی می‌کردند. عربستان سعودی و امارات به ترتیب با ۳۵ و ۳۳ درصد در صدر فهرست قرار دارند. در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۵، حواله‌های ارسالی به هند از شورای همکاری خلیج فارس به ۳۶,۷ میلیارد دلار آمریکا رسید و در سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶ اندکی به ۳۵,۹ میلیارد دلار کاهش یافت. بر اساس گزارش بانک جهانی، کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بزرگترین منبع هستند که حدود ۶۰ درصد از کل حواله‌های دریافتی هند در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۶ را به خود اختصاص داده‌اند که تقریباً ۳,۳ درصد به تولید ناخالص داخلی آن کمک کرده است. عربستان سعودی به تنهایی حدود ۲۰ میلیارد دلار از پول هند را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، تا سال ۲۰۱۲ سرمایه‌گذاری روسیه در منطقه حدود ۴,۵ میلیارد دلار است. بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی و فناوری پیشرفته (عمدتاً انرژی فضا و هسته‌ای) و همچنین حوزه بانکی جذاب‌ترین بخش‌ها برای سرمایه‌گذاران روسی هستند. علاوه بر این، بسیاری

<sup>1</sup> Jebel Ali Free Zone

<sup>2</sup> Iran-Pakistan-India pipeline

از روس‌ها در امارات زندگی می‌کردند و اکثریت آنها در مشاغل کوچک و متوسط، عمدتاً در تجارت، هتل‌ها، گردشگری و انتقال کالا مشغول بودند. (هیس، ۲۰۱۶: ۳۴-۳۳)

از سوی دیگر، روسیه از صنعت هسته ای ایران حمایت کرده است. مسکو به ساخت نیروگاه بوشهر ایران کمک می‌کند. روسیه از راه‌حلی صلح‌آمیز برای مشکل هسته‌ای ایران که برنامه تهران را به طور قطعی صلح‌آمیز نگه می‌دارد، با نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)<sup>۱</sup> حمایت کرده است. ۱۷۴ روسیه از چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد درباره ایران حمایت کرده است که سه قطعنامه آن تحریم‌های خفیفی را علیه این کشور اعمال می‌کند. مسکو نقش مهمی در انعقاد برجام دارد. این کشور مخالف خروج ترامپ از توافق در سال ۲۰۱۸ بود. برای مسکو، بدترین سناریو حمله نظامی آمریکا (یا اسرائیل) علیه ایران است که برنامه هسته‌ای ایران را به تأخیر می‌اندازد، اما نابود نمی‌کند و مطمئن می‌شود که ایران به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته‌ای ظاهر می‌شود. این امر منطقه را بی‌ثبات می‌کند، ستیزه‌جویی اسلام‌گرایان را افزایش می‌دهد و رژیم عدم اشاعه را از بین می‌برد. (ریچارد بورچیل، ۲۰۱۶: ۳۲-۳۱)

### ۳- ادبیات و پیشینه موضوع

#### ۳-۱. ادبیات نظری

##### ۳-۱-۱. استراتژی امنیتی چین

سند سیاست عربی چین در سال ۲۰۱۶ (App)<sup>۲</sup>، اولین سند سیاست عربی چین، هرگز امنیت منطقه را به عنوان یکی از وظایف و مأموریت‌های ارتش آزادی بخش چین (PLA)<sup>۳</sup> ذکر نکرد. در این سند بر منافع کلیدی چین در منطقه تأکید شده است: اقتصاد، انرژی، مبارزه با تروریسم، امنیت، همکاری فنی و ابتکار عمل OBOR.<sup>۴</sup>

این سند تقویت همکاری چین و کشورهای عربی در تهدیدات غیرمستقیم را نشان می‌دهد، از جمله: مبارزه با دزدی دریایی، ضدتروریسم، امنیت سایبری و امنیت دریایی، از جمله ارسال کشتی

<sup>1</sup> International Atomic Energy Agency

<sup>2</sup> China's Arab Policy Paper

<sup>3</sup> People's Liberation Army

<sup>4</sup> One Belt, One Road

های جنگی به خلیج عدن و آب‌های سومالی برای حفظ امنیت دریایی بین‌المللی و انجام همکاری‌های امنیت سایبری. با این حال، این سند هرگز به نقش چین در امنیت خاورمیانه اشاره نکرده است. بنابراین، در ژانویه ۲۰۱۶، رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ تلاش کرد تا بر بعد اقتصادی مشارکت منطقه‌ای چین تأکید کند و در عین حال به دنبال اجتناب از این تصور بود که پکن به دنبال پر کردن یک "خلأ قدرت" فرضی است. شی تأکید می‌کند که چین تمایلی به ایفای نقش امنیتی در منطقه ندارد. در مجموع، می‌توان ده حوزه امنیتی را که در استراتژی‌های امنیت ملی چین و اوراق سفید گنجانده شده‌اند، خلاصه کرد که در میان آنها مسئله تایوان و اتحاد مجدد چین قابل توجه است. نیروهای جدایی طلب «استقلال ترکستان شرقی» و «استقلال تبت»؛ امنیت دریایی؛ خطوط ارتباط دریایی منطقه آسیا و اقیانوسیه؛ حضور و تهدیدهای آمریکا در منطقه آسیا اقیانوسیه؛ هژمونیک آمریکا؛ رقابت و همکاری با هند؛ روسیه و کشورهای آسیا و اقیانوسیه؛ مسائل مربوط به نظامی و دفاعی مانند پدافند آبی فراساحلی، جنگ اطلاعاتی، فضای سایبری. (اندی آکین، ۲۰۱۷)

با این حال، امنیت خاورمیانه یا نقش امنیتی چین در منطقه هرگز در استراتژی‌های امنیت ملی چین و اوراق سفید ذکر نشده است.

### ۲-۱-۳. استراتژی امنیتی هند

خاورمیانه برای هند اهمیت استراتژیک دارد. هند سهام و منافع بزرگی در خلیج فارس از جمله امنیت انرژی دارد. حفاظت از خطوط ارتباطات دریایی (SLOC)ها و حفاظت از اتباع و منافع خارج از کشور برای هند از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا برای تجارت و تامین انرژی از منطقه به هند حیاتی است. در این زمینه، حفظ امنیت پست‌های بازرسی خلیج فارس برای استراتژی امنیتی دریایی هند مهم است. بنابراین، از منظر دهلی نو، ملاحظات کلیدی امنیتی شامل حفظ دسترسی به دریای عرب و جریان‌های ورودی و خروجی از تنگه هرمز است. از دیدگاه استراتژیک هند، خلیج فارس و جنوب آسیا از نظر استراتژیک مناطقی هستند که ارتباط تعاملی و مرتبط با یکدیگر دارند. بنابراین امنیت دریایی و انرژی آن تا منطقه وسیعی از اقیانوس هند و پست‌های بازرسی خلیج فارس به ویژه تنگه هرمز را شامل می‌شود. هرگونه توزیع در این مناطق به شدت بر SLOCها و به نوبه خود بر اقتصاد هند تأثیر می‌گذارد. این مفهوم استراتژیک دریایی

<sup>1</sup> The Sea Lines of Communications

در تفکر استراتژیک و دکترین دریایی هند در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۹ منعکس شده است. علاوه بر این، در سال ۲۰۰۳، اداره حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) برنامه ای ۲۰ ساله را برای تبدیل شدن به یک قدرت جهانی که نفوذ آن در سراسر جهان احساس می شود، راه اندازی کرد. (اقیانوس هند، خلیج فارس و کل آسیا) دکترین دریایی ۲۰۰۹ خلیج فارس، دریای عرب و کشورهای همسایه با آنها را برای منافع استراتژیک هند، که شامل ایمن کردن نقاط خفه برای تضمین جریان روان انرژی است، حیاتی نامید. استراتژی دریایی و امنیت انرژی هند، استراتژی پست‌های بازرسی خلیج فارس را به حداکثر می‌رساند. بنابراین، هند روابط استراتژیک با خلیج فارس را به منظور تضمین ایمنی و امنیت SLOC، ایمنی و آزادی ناوبری در خطوط کشتیرانی و مسیرهای تجاری، مبارزه با تروریسم حفظ کرده است. دیپلماسی دریایی هند مستلزم استفاده از نیروهای دریایی برای حمایت از اهداف سیاست خارجی، ایجاد پل های دوستی، تقویت همکاری های بین المللی و جلوگیری از دشمنان بالقوه است. نیروی دریایی هند با انجام رزمایش های مشترک با نیروی دریایی شورای همکاری خلیج فارس و افزایش بازدید از بنادر شورای همکاری خلیج فارس، سعی در برقراری روابط نزدیک تر و نهادینه تر با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس داشته است. علاوه بر این، هند نقش مهمی در مبارزه با دزدان دریایی در خلیج عدن ایفا کرده است. همکاری امنیتی دریایی هند با کشورهای منطقه پس از بهار عربی به دلیل افزایش کشورهای شکست خورده در خاورمیانه بیشتر شده است. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۵، نخست وزیر هند، نارندرا مودی، بر اهمیت «افزایش همکاری امنیتی دریایی در خاورمیانه و اقیانوس هند» تأکید کرد. انجام تمرینات مشترک منظم و آموزش نیروهای دریایی، هوایی، زمینی و ویژه. در سال ۲۰۱۶، وزیر امور خارجه هند، سوشما سواراج، بر لزوم همکاری با شورای همکاری خلیج فارس در مقابله با تروریسم که آن را نقطه عطفی در روابط هند و کشورهای عربی توصیف می کند، تأکید کرد. علیرغم توسعه استراتژی مشخص در مورد امنیت خاورمیانه، هیچ اشاره ای به نقش هند به عنوان تامین کننده امنیت منطقه در استراتژی یا دکترین های نظامی هند نشده است. همه آنها بر امنیت دریایی، امنیت انرژی، مبارزه با دزدی دریایی و مهمتر از همه تلاش های هند برای تبدیل شدن به ابرقدرت منطقه اقیانوس هند تمرکز دارند. (میاک، ۲۰۱۷: ۴)

<sup>1</sup> Bharatiya Janata Party

### ۳-۱-۳. استراتژی امنیتی روسیه

در واقع، مفهوم سیاست خارجی روسیه در سال ۲۰۱۳ منعکس کننده تمایل روسیه برای ایفای نقش بزرگتری در سیاست جهانی است. این مفهوم اهمیت ایجاد یک سیستم چند مرکزی روابط بین‌الملل را برجسته می‌کند. این سند به دنبال غلبه بر هرگونه حاشیه سازی واقعی یا تصور شده روسیه در تحولات جهانی است. این سند نقش روسیه در سوریه و تنش اخیر بین ایالات متحده و روسیه بر سر نفوذ مسکو در سوریه را توضیح می‌دهد. با این حال، هیچ چیزی در مورد نقش روسیه در خاورمیانه ذکر نشده است. استراتژی بزرگ روسیه در سال ۲۰۱۵ منعکس کننده اولویت‌ها، منافع و تهدیدات این کشور از جمله داعش است. این سند نشان دهنده اهمیت آسیا و اقیانوسیه برای امنیت ملی روسیه است. با این حال، در این سند هرگز به نقش روسیه در امنیت خاورمیانه اشاره نشده است. به طور مشابه، مفهوم سیاست خارجی فدراسیون روسیه در سال ۲۰۱۶ نشان دهنده اهمیت آسیا و اقیانوسیه برای امنیت ملی روسیه و تهدیدات تروریسم بین‌المللی، به ویژه داعش، بر امنیت بین‌المللی است. این سند از موضع روسیه برای حل و فصل سیاسی در سوریه حمایت می‌کند. این سند بر حمایت روسیه از اجرای مستمر توافق جامع مشترک برای حل و فصل اوضاع پیرامون برنامه هسته‌ای ایران تأکید می‌کند. این سند نشان دهنده قصد روسیه برای ادامه گفت و گوی راهبردی با شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس است. نقش روسیه در امنیت منطقه برای نتیجه‌گیری، می‌توان حدود هشت حوزه امنیتی را که از سال ۱۹۹۳ در تمام دکترین‌های امنیت ملی یا نظامی گنجانده شده است، خلاصه کرد: برابری با واشنگتن، جهان چند مرکزی، آسیا و اقیانوسیه، مبارزه با تروریسم، روابط با هند و چین، آسیای مرکزی، گسترش ناتو و اتحادیه اروپا. با این حال، امنیت خاورمیانه یا نقش امنیتی روسیه در منطقه هرگز در راهبردهای امنیت ملی مسکو و اسناد سفید ذکر نشده است. (میاک، ۲۰۱۷: ۴)

### ۳-۲. پیشینه

پیرامون موضوع، مقالات و تحقیقاتی داخلی و خارجی از زوایا و سطوح تحلیل گوناگون نگاشته شده است. در اینجا از برخی از پژوهش‌هایی که به نحوی با رویکرد این تحقیق به بررسی موضوع پرداخته‌اند اشاره خواهیم کرد.

### ۳-۲-۱. پژوهش‌های خارجی

*1- Prof. Dr. Mehran Kamrava, Center for International and Regional Studies,*

*Georgetown University, School of Foreign Service, Qatar, "Hierarchy and Instability in the Middle East Regional Order" International Studies Journal (ISJ) / Vol. 14 / No. 4 / Spring 2018 / pp.1-35*

این مقاله با اشاره به ظهور یک سلسله مراتب هرمی سه لایه در خاورمیانه، استدلال عدم وجود نظم منطقه ای معنادار در خاورمیانه قبل و پس از سال ۲۰۱۱ را به چالش کشیده است. این سلسله مراتب منطقه ای یکی از منابع اولیه بی ثباتی در خاورمیانه است. به طور خاص، مقاله به چهار تحول اشاره می کند - زمینه جهانی. اولویت ها و رقابت بین قدرت های منطقه ای؛ موقعیت و جایگاه قدرت های ثانویه منطقه؛ و تکثیر دولت های ضعیف یا در حال فروپاشی که ترکیب شده اند تا نظم منطقه ای خاورمیانه را ذاتاً بی ثبات و مستعد تنش ها و حتی بحران ها کنند.

*2-Mohammad Eslami and Maria Papageorgiou, "China's Increasing Role in the Middle East: Implications for Regional and International Dynamics", Georgetown Journal of international affairs, June 2, 2023*

نویسنده در این مقاله به ابتکارات دیپلماتیک اخیر چین که نشان دهنده سرمایه گذاری عمیق پکن در ادامه توسعه روابط با کشورهای خاورمیانه است، اشاره می نماید. در سال ۲۰۲۲، چین اولین اجلاس سران کشورهای عربی و چین و اولین اجلاس سران چین و شورای همکاری خلیج فارس را برگزار کرد و تعهد خود را به تقویت مشارکت های استراتژیک در منطقه و ترویج توسعه اقتصادی فراتر از منافع سنتی انرژی خود نشان داد. دخالت فزاینده چین در خاورمیانه عامل مهمی در شکل دهی چشم انداز ژئوپلیتیکی منطقه است و پیامدهای مهمی بر سیاست جهانی دارد و گواه این است که منافع اقتصادی و سیاسی چین تحت تلاش های این کشور برای تضمین دسترسی به منابع و بازارهای حیاتی در سطح جهانی گسترش یافته است.

### ۲-۳. پژوهش های داخلی

۱. فرحناز فتحی (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان «اصول سیاست خارجی روسیه و نقش خاورمیانه گرایی در این راستا» ضمن تشریح رفتار ابرقدرت های سیاسی و اقتصادی در برهم زدن وضع موجود و ایجاد تغییر و تحول در منطقه و اولویت حضور و نقش آفرینی این بازیگران در جابجایی قدرت در منطقه آشوب زده و پرحادثه خاورمیانه، به تاثیر تزلزل و تغییر جایگاه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بر نحوه شکل گیری قدرت جهانی پرداخته است. در نتایج تحقیق مطرح نموده "روسیه برای حفظ قدرت و نفوذ سیاسی خود در کنار افزایش توانمندی های



اقتصادی و نظامی با نقش آفرینی در معادلات منطقه ای به ویژه بحران های مختلف از جمله بحران سوریه و لبنان در صدد احیاء ابرقدرتی از دست رفته خود می باشد.

۲. آقایان داود غرایاق زندی و محمد عباسی (۱۴۰۰) در مقاله ای با عنوان "تحولات راهبردی و سیاست خارجی چین در خاورمیانه در دهه دوم سده بیست و یکم: چرایی و چگونگی" به بررسی نقش و نفوذ چین در جهان و به ویژه در خاورمیانه پرداخته است. و در چرایی و چگونگی بازیگری چین، انرژی، فناوری های پیشرفته، ژئوپولیتیک، کمک به ثبات منطقه، ارسال کمک های بشر دوستانه و مقابله با تروریسم در اولویت است. بدین ترتیب چین توانسته با نفوذ خود در خاورمیانه، با نفوذ آمریکا مقابله کند و این کار را با استعمارگرایی دنبال نمی کند. وابستگی چین به انرژی منطقه می تواند زمینه ساز نفوذ بیشتر این کشور در خاورمیانه باشد.

#### ۴- روش تحقیق

تحلیل نقش سه قدرت در حال ظهور چین، هند و روسیه در امنیت خاورمیانه و برخورد استراتژی های این قدرت ها از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. زیرا از یک سو ملاحظات انرژی یا ژئوپولیتیک بر نقش امنیتی بالقوه آنها در منطقه تأثیرگذار است و همچنین روابط انرژی، تجارت و سرمایه گذاری آنها با کشورهای خاورمیانه تعیین کننده دلایل حضور پر رنگ آنها در منطقه خواهد بود.

نظر به اینکه هدف اصلی از انجام این تحقیق بررسی عوامل موثر بر نقش قدرت های در حال ظهور در خاورمیانه به روش میدانی است، می توان گفت، از نظر هدف در حیطه پژوهش های کاربردی می باشد. از سوی دیگر با توجه به اینکه در این تحقیق از روش های مطالعه کتابخانه ای و نیز مقالات و پژوهش های داخلی و خارجی در مقاطع زمانی مختلف استفاده شده است، می توان بیان کرد، که تحقیق حاضر بر اساس ماهیت و روش گردآوری داده ها، یک پژوهش توصیفی-پیمایشی می باشد.

#### ۵- یافته های تحقیق

##### ۵-۱. نقش چین در امنیت آینده خاورمیانه

در واقع، شش مانع وجود دارد که چین را از ایفای نقش امنیتی و پر کردن خلاء در صورت خروج ایالات متحده از منطقه باز می‌دارد. اول اینکه چین مایل نیست تامین کننده امنیت خاورمیانه باشد. چین ترجیح داده است که از نظر نظامی درگیر سیاست خاورمیانه نباشد. دوم، ماهیت اقتصادی که مشخصه منافع چین در منطقه است، جایی که کلید تضمین تامین طولانی مدت مواد خام انرژی با ثبات و حفاظت از SLOC است.

به نظر می‌رسد که منافع اقتصادی، امنیت انرژی و SLOC، تجارت و بازرگانی "منافع اصلی" چین حداقل در کوتاه مدت سیاست پکن را هدایت خواهد کرد. چین رویکرد عملگراییانه خود را برای حفاظت از منافع برون مرزی خود حفظ می‌کند، نه اینکه نقش تامین کننده امنیت خاورمیانه را بازی کند. چین از چتر امنیتی ایالات متحده برای گسترش منافع اصلی خود در منطقه سود برده است. در واقع، کشورهای خاورمیانه بیشتر به جانشینی چین از ایالات متحده علاقه مند هستند تا چین به این کار. دیدگاه‌های خاورمیانه معاصر در مورد چین مشابه دیدگاه‌های خاورمیانه در مورد ایالات متحده در یک قرن پیش است، زمانی که بسیاری در خاورمیانه برای نجات آنها از دست امپریالیسم اروپایی به ایالات متحده چشم دوختند. چین هنوز توانایی دیپلماتیک و نظامی برای ایفای چنین نقشی را ندارد. چین توانایی‌های لازم برای به چالش کشیدن ارتش آمریکا و تحقق هدف خود را به عنوان یک قدرت دریایی مسلط در خاورمیانه ندارد. چین فاقد قابلیت‌های کنترل SLOC ها است، که عوامل اصلی کمک به چین برای ایفای نقش تامین کننده امنیت برای منطقه هستند. به عنوان مثال، دریای مدیترانه هنوز تحت تسلط ناتو و ناوگان ششم ایالات متحده است، در حالی که خلیج عدن و خلیج فارس تحت سلطه ناوگان پنجم ایالات متحده است. SLOC ها در داخل منطقه خلیج فارس توسط فرماندهی مرکزی ایالات متحده از دهه ۱۹۹۰ محافظت شده است. علاوه بر این، SLOC های اقیانوس هند توسط ناوگان هفتم فرماندهی اقیانوس آرام ایالات متحده محافظت شده است. به طور خاص، کنترل SLOC ها بین خلیج و شرق آسیا (-SLOCs) (GEA) مستلزم داشتن هر نیروی دریایی برای داشتن واحدهای دریایی قوی از نظر عملیاتی نه تنها در منطقه آبی خلیج فارس، بلکه در اقیانوس هند و دریای چین جنوبی است. انتظار نمی‌رود چین تا قبل از سال ۲۰۳۰ تمامی قابلیت‌های فوق را به دست آورد. علیرغم این واقعیت که چین در حال حاضر رتبه دوم را در هزینه‌های نظامی در جهان دارد و بودجه نظامی آن در محدوده ۱۲ تا ۲۵ درصد رشد می‌کند، فاقد ناو هواپیمابر است، به جز یکی در حال حرکت و دیگری در توسعه. فاقد

توانایی کافی رادارگریز و بمب افکن های مسافت طولانی است. از سوی دیگر، چین فاقد پایگاه های هوایی و دریایی در خلیج فارس است که مانعی برای کنترل SLOC ها است. بنابراین، در کوتاه مدت، چین «نمی‌تواند برتری نیروی دریایی ایالات متحده را به چالش بکشد». با توجه به شرایط کنونی در خلیج فارس و اقیانوس هند، چین به احتمال زیاد سناریوی دومی «همکاری دریایی قدرت‌های بزرگ» را ترجیح می‌دهد، زیرا چین بعید است که مایل باشد و یا قادر به مقابله مستقیم با نیروی دریایی آمریکا دور از سواحل خود باشد. (سولیان، ۲۰۱۵: ۱۲-۱۱)

چهارم، چین بر خلاف ایالات متحده فاقد اتحادهای رسمی در خاورمیانه است. روابط چین با منطقه معاملاتی است و فراتر از روابط انرژی و امنیت دریایی و روابط ژئواکونومیک نیست. روابط پکن با قدرت های فرامنطقه ای مانند ترکیه، روسیه و هند ترکیبی از رقابت و بی اعتمادی است تا "اتحاد". آنها هرگز فراتر از روابط انرژی یا تجاری نمی روند. پنجم، چین فاقد استراتژی منسجم برای امنیت خاورمیانه است و خلیج فارس در مقیاس پایین اولویت های استراتژیک اصلی چین و تصور تهدید قرار دارد. تهدیدهای اصلی و اولویت های استراتژیک چین در خلیج فارس گنجانده نشده است. اما آنها در منطقه آسیا-اقیانوسیه، که به درستی منطقه تحت نفوذ خود است، «استقلال» بالقوه تایوان، فعالیت جدایی طلبانه در استان های غربی چین و تلاش های مدعیان رقیب برای رقابت با کنترل دریاهای چین شرقی و جنوبی، شامل می شوند. بنابراین، به نظر می‌رسد که بیشتر سخت‌افزار، نرم‌افزار و تصور استراتژیک نظامی چین بر روی همسایگان نزدیک‌تر متمرکز شده است. مفهوم تهدید استراتژیک و تاکتیکی آن بیشتر بر روی هند، تایوان، چین و آسیای جنوب شرقی متمرکز شده است. بنابراین چین می‌داند ایالات متحده و شرکای اتحادش می‌خواهند چین را مهار کنند، به روشی شبیه به مهار اتحاد جماهیر شوروی توسط ایالات متحده در طول جنگ سرد. همچنین چین نگران فرماندهی آمریکا در اقیانوس آرام (PACOM) و حضور نظامی آمریکا در آسیا است.

ششم، هزینه های مشارکت عمیق تر در این منطقه بسیار بیشتر از منافع است. تا حالا، چین از رویکرد کم‌اهمیت خود در منطقه که تحت آن ایالات متحده هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی ثبات خاورمیانه را متحمل شده است، سود برده است، در حالی که چین از مزایای پایدار انرژی و راه های ارتباطی دریایی امن برخوردار است. به طور خلاصه، ادراک استراتژیک اصلی

<sup>1</sup> The U.S. Pacific Command

چین بر منطقه آسیا-اقیانوسیه متمرکز است، جایی که رقابت‌های منطقه‌ای می‌تواند تشدید شود. بنابراین سرمایه‌گذاری در قابلیت‌های پیش‌بینی قدرت در خاورمیانه، منابع گران‌بها را منحرف می‌کند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد چین نیز تمایلی به تحمل بار سیاسی دخالت در درگیری‌های فرقه‌ای و بی‌شمار منطقه را ندارد.

در مجموع، اولویت استراتژیک چین منطقه آسیا و اقیانوسیه است. خاورمیانه برای چین به‌عنوان منبعی برای مواد خام و انرژی مهم است، نه مکانی که چین در آن نقش تأمین‌کننده امنیت را ایفا می‌کند. در آینده قابل پیش‌بینی، چین به‌عنوان تثبیت‌کننده استراتژیک دیگری مانند ایالات متحده برای چندین دهه عمل نخواهد کرد. حداکثر نقش امنیتی چین در آینده افزایش همکاری‌های دریایی خود با پادشاهی‌های خاورمیانه است. چین، ایالات متحده بعدی منطقه نخواهد بود. در واقع، «جایگزینی آمریکا دامی است که چین نباید در آن بیفتد». برای چین بسیار مهم است که اجازه دهد ماشین جنگی ایالات متحده تا حد مرگ در منطقه آشفته خونریزی کند. در این زمینه، ایالات متحده قرار است ضامن امنیتی انتخابی برای عربستان سعودی و کشورهای کوچکتر باقی‌مانده از سوی دیگر، چین یکی از ذینفعان اصلی تلاش‌های واشنگتن برای حفظ ثبات و امنیت منطقه بوده است، زیرا چین را قادر می‌سازد تا امنیت انرژی از SLOC ها و توسعه اقتصادی را تضمین کند. بنابراین، «سیاست سوار آزاد» امروز در خدمت منافع پکن در خاورمیانه خواهد بود. با این حال، در دراز مدت، گسترش منافع چین در خلیج فارس ممکن است مستلزم گسترش نقش این کشور در منطقه باشد. نقشی که ایالات متحده در امنیت خاورمیانه ایفا می‌کند، نخواهد بود. (بتینا رنز، ۲۰۱۶: ۳۶-۲۳)

## ۲-۵. نقش هند در امنیت آینده خاورمیانه

هند تمایلی به ایفای نقش یک تأمین‌کننده امنیت برای خاورمیانه را ندارد. هند در مورد محیط امنیتی منطقه ابراز نگرانی نمی‌کند، هیچ کدام هنوز هیچ نشانه مشخصی از سرمایه‌گذاری در مکانیسم‌های امنیتی سختی که خاورمیانه به آن نیاز دارد نشان نداده است. حداکثر نقش امنیتی هند در آینده همکاری با پادشاهی‌های خلیج فارس در SLOC، مبارزه با دزدی دریایی و ضد تروریسم است. سیاست‌های هند در قبال منطقه با هدف تأمین و ارتقای منافع خود بدون درگیر شدن در پیچیدگی‌های ژئوپلیتیکی منطقه است. هند ترجیح می‌دهد در امنیت غیرمستقیم خاورمیانه، از جمله آموزش به پرسنل آن‌ها، انجام تمرین‌های مشترک و تبادل اطلاعات، به منطقه دولت‌ها بپیوندد. هند ایده تأمین‌کننده امنیت

منطقه یا ایده جایگزینی تامین‌کننده امنیت واشنگتن در منطقه را رد می‌کند. سلمان خورشید، وزیر امور خارجه سابق هند، در سخنرانی در گفتگوی منامه در سال ۲۰۱۳، گفت: «[ما] هرگز نقش کلاسیک مداخله با کمک نظامی را به همان روشی که ایالات متحده انجام می‌دهد، ایفا نکرده‌ایم». پنج عامل مانع از این می‌شود که هند تامین‌کننده امنیت منطقه باشد. اول- عامل اقتصادی، کمبود منابع مالی و تکنولوژی مدرن نظامی. پراسانتا کومار پرادان استدلال می‌کند که برای هند برای ایفای نقش امنیتی در خاورمیانه این به معنای هزینه‌های مالی هنگفت و استفاده از فناوری مدرن نظامی است. دوم- عامل نظامی، هند همچنین باید تجهیزات نظامی خود را قبل از اینکه بتواند برای استقرار در همسایگی گسترده وارد شود، مدرنیزه کند. سوم، خاورمیانه در اولویت استراتژیک پایینی برای هند قرار دارد. اولویت اول آن برتری بر اقیانوس هند، روابط با واشنگتن، چین، روسیه، پاکستان و در نهایت جهاد انتقالی است. بنابراین، هند از طریق توسعه همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس، به امنیت نرم منطقه، به ویژه در زمینه امنیت غیرستتی مانند مبارزه با تروریسم، امنیت دریایی و مبارزه با دزدی دریایی که همچنان چالشی برای ایمنی کشورهای منطقه است، نگران است. هند هرگز نشانه‌هایی از ارتباط با امنیت سخت را نشان نمی‌دهد، نقشی که واشنگتن برای محافظت از رژیم‌های شورای همکاری خلیج فارس ایفا می‌کند. چهارم، نقش امنیتی هند در خلیج فارس با اصل ریشه‌دار عدم مداخله آن در تضاد است. هند در امور داخلی و منطقه‌ای خلیج فارس مداخله نمی‌کند. در واقع، هند ایده مداخله در امنیت منطقه را رد کرده است. هند از جمله برخی از قدرت‌های اروپایی و آسیایی بود که حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ را رد کرد و از پیوستن به گروه‌های موسیقی علیه صدام حسین سر باز زد. پنجم، هند فاقد متحدان قوی یا پایگاه‌های نظامی/ دریایی در منطقه است. رابطه هند با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای معامله‌ای است. توانایی‌های نظامی و دریایی هند حتی در اقیانوس هند در مقایسه با واشنگتن محدود است. (ایزابل فاکن، ۲۰۱۷: ۱۱)

### ۳-۵. نقش روسیه در امنیت آینده خاورمیانه

چهار عامل مانع از آن می‌شود که روسیه تامین‌کننده امنیت خاورمیانه باشد. اول، روسیه فاقد قدرت نظامی برای ایفای چنین نقشی است. از نظر نظامی، روسیه مایل و قادر نیست تامین‌کننده امنیت برای خاورمیانه باشد. روسیه به امنیت منطقه نزدیک خود در خارج از کشور، مناطق مجاور روسیه و جهان شوروی سابق - آسیای مرکزی، قفقاز و افغانستان علاقه مند است. با توجه به تعداد نیروها، به طور کلی فرض می‌شود که قدرت نظامی روسیه در سال ۲۰۱۵ بالغ بر

۸۰۰۰۰۰ پرسنل بود. این مقدار قابل توجه است (حتی در مقایسه با ۱۴۰۰۰۰۰ سرباز فعال ایالات متحده)، اما بخش عمده ای از نیروهای مسلح روسیه سربازان وظیفه آموزش ضعیفی هستند. وقتی نوبت به آمادگی رزمی و تجربه عملیاتی نیروهای متعارف روسیه نسبت به نیروهای ایالات متحده می‌شود، دلیل کمی برای ترس از پیشروی روسیه وجود دارد.

دوم، عامل اقتصادی؛ از نظر اقتصادی، روسیه قادر به ایفای نقش تامین‌کننده امنیت برای خاورمیانه نیست و بودجه دفاعی روسیه در مقایسه با ایالات متحده، سهم کمی را به خود اختصاص می‌دهد. بودجه نظامی کشور امروز هنوز کمی بیش از ۱۰ درصد بودجه نظامی ایالات متحده و بخش کوچکی از ائتلاف ناتو در کل است. بر اساس پایگاه‌های اطلاعاتی موسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم (SIPRI)<sup>1</sup>، هزینه‌های نظامی روسیه در سال ۱۹۹۵ به ۳۱,۳ میلیارد دلار، در سال ۲۰۰۰ به ۲۸,۸، در سال ۲۰۰۵ به ۴۳، در سال ۲۰۱۰ به ۶۰,۹ و در سال ۲۰۱۵ به ۹۱ میلیارد دلار رسید. با این حال، رکود اقتصادی به معنای افزایش مخارج نظامی به ۵,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی در بودجه اصلاحی ۲۰۱۵ بود و برنامه تسلیحات جدید تا سال ۲۰۲۵ به تعویق افتاد. سوم، روسیه متحدان واقعی کمی در منطقه دارد. روابط مسکو با ترکیه و ایران روابطی معامله‌گرانه و عملی است. چهارم، روسیه نیز در مقایسه با غرب فاقد قابلیت‌های قدرت نرم در منطقه است. مشخص نیست که آیا تلاش‌های گسترده‌تر قدرت نرم روسیه در خاورمیانه مانند تلاش‌های مشابه در بخش‌هایی از اروپا و ایالات متحده طنین‌انداز خواهد شد یا خیر.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

به طور جمعی، قدرت‌های در حال رشد تمایلی به جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیت خاورمیانه ندارند. از نظر استراتژیک، رویکرد استراتژیک چین به ویژه در قبال خلیج فارس بر هفت رکن به هم پیوسته استوار است که هیچ کدام کم و بیش به امنیت خاورمیانه مربوط نمی‌شود. بزرگترین تامین‌کننده نفت چین بودن به این معنی نیست که چین باید تامین‌کننده امنیت خاورمیانه باشد. نکته مهم این است که پکن نشانه‌هایی از تمایل به جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیت منطقه ای را نشان نمی‌دهد. این قرار نیست مستقیماً هژمونی واشنگتن را به چالش

<sup>1</sup> Stockholm International Peace Research Institute

بکشد زیرا از تلاش‌های ایالات متحده برای تضمین جریان نفت و امنیت دریایی خلیج فارس سود برده است. چین تمایلی به جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیت منطقه خاورمیانه ندارد. با این حال، علیرغم این واقعیت که چین با گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری به دنبال چالش یا جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیت خلیج فارس نیست، چین ممکن است استراتژی قدیمی خود را برای جدا نگه داشتن سیاست و تجارت تغییر دهد و استراتژی مداخله جویانه را برای بازی توسعه دهد. نقش قاطع‌تر در امنیت خاورمیانه. چه کسی می‌داند؟

به همان اندازه، هند تمایلی به ایفای نقش در هسته سخت امنیت خلیج فارس ندارد. هند فاقد توانایی نظامی یا منابع اقتصادی است که بتواند بار امنیت این منطقه بی‌ثبات و پر دردرس را به دوش بکشد. در حقیقت، یکی از نتایج این است که برخی از نخبگان نظامی و سیاسی در دولت شورای همکاری خلیج فارس از ایده داشتن هند به عنوان جایگزین مستقل برای ایالات متحده در امنیت خاورمیانه حمایت می‌کنند. با این حال، همتایان هندی آنها دیدگاه مشابهی ندارند. منافع عمده هند در خاورمیانه فراتر از تجارت، امنیت انرژی و سرمایه‌گذاری نیست. با این حال، پیوند استراتژیک بین اقیانوس هند و خلیج فارس ممکن است هند را به ایفای نقش قاطع‌تری در امنیت خلیج فارس وادار کند. این به رشد مداوم اقتصاد هند و تمایل هند برای ایفای نقش قدرت جهانی بستگی دارد، و این امر تا قبل از سال ۲۰۵۰ امکان‌پذیر نخواهد بود. با این حال، در آینده نزدیک، برای هند دشوار خواهد بود که به خارج از روابط تجاری و تجاری با کشورهای حوزه خلیج فارس نگاه کند و نقش خود را در امنیت منطقه خلیج فارس بازنگری کند. آینده ممکن است برخی از شگفتی‌ها را پنهان کند که ممکن است همه این سناریوها را تغییر دهد. چه کسی می‌داند؟

به طور مشابه، روسیه تمایلی به جایگزینی ایالات متحده به عنوان تامین‌کننده امنیت منطقه ندارد. روسیه نقش منطقه‌ای محتاطانه‌ای در خاورمیانه ایفا کرد زیرا از سیاست داخلی منطقه‌ای که حوزه نفوذ ایالات متحده بوده است فاصله می‌گیرد.

به طور خلاصه، چین، هند و روسیه از دهه ۱۹۷۰ به این سو مایل بوده‌اند که در همان دامی نیفتند که واشنگتن با قرار گرفتن تامین‌کننده امنیت خالص منطقه در آن گرفتار شده است. آنها هیچ استراتژی/برنامه منسجمی برای امنیت خاورمیانه، به ویژه مکانیسم‌های امنیت سخت هسته‌ای ندارند. با این حال، این وضعیت ممکن است در آینده تغییر کند. چین و هند، به ویژه، شاید نیاز به یک شوک داشته باشند تا آنها را مجبور کند که در امنیت منطقه‌ای مشابه امنیت ایالات متحده در

هنگام حمله ژاپن در طول جنگ جهانی دوم، درگیر شوند. واشنگتن را وادار کرد تا در سیاست جهانی درگیر شود و به نوبه خود به قدرت مسلط جهان برای بیش از شش دهه تبدیل شود. چه کسی می داند؟ منتظر می مانیم و می بینیم.

### منابع

- Akin, Andy, "What Do We Know About Russia's 'Grand Strategy?'," The Washington Post, May 2017.
- Alterman, Jon B., "The Other Side of the World: China, the United States, and the Struggle for Middle East Security," Center for Strategic and International Studies (CSIS), Washington, March 2017, pp. 12–14.
- Burchill, Richard, "Russia's Desire to Develop a 'Polycentric System of International Relations'," TRENDS Working Paper No. 4, TRENDS Research & Advisory, Russian Foreign Policy and the GCC, Abu Dhabi, UAE, 2016, pp. 31–32.
- Department of Defense, "Military and Security Developments Involving the People's Republic of China 2017," Annual Report to Congress, Washington 2017, p. 43.
- Dorsey, James A., "China and the Middle East: Venturing into the Maelstrom," Working Paper Series, No. 296, The Rajaratnam School of International Studies (RSIS), March 18, 2016, Singapore, p. 16.
- Dutkiewicz, Piotr, "Russia and Gulf States—Contours of Underdeveloped Relations," TRENDS Working Paper No. 4, TRENDS Research & Advisory, Russian Foreign Policy and the GCC, Abu Dhabi, UAE, 2016, p. 8.
- Facon, Isabelle, "Russia's National Security Strategy and Military Doctrine and Their Implications for the EU," European Union, Policy Department, Directorate-General for External Policies and the European Parliament's Sub-Committee on Security and Defence In-depth Analysis, February 10, 2017, p. 11.
- Gupta, Arvind, "Introduction," pp. 1–12, in Venkatshamy, Krishnappa and George, Princy (eds.), Grand Strategy for India 2020 and Beyond (New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses, first edition,
- Heath, Timothy R., et al., The PLA and China's Rejuvenation: National Security and Military Strategies, Deterrence Concepts, and Combat



Capabilities (Santa Monica, CA: RAND Corporation, 2016), pp. 33–34.

- Janardhan, N., “China’s Middle East Conundrum and Prospects for Collective Security,” pp. 27–32, in *China and the Challenges in Greater Middle East*, Conference Report, Danish Institute for International Studies (DIIS), Copenhagen, 2016, p. 28.
- Khatana, Poonam, “The GCC,” pp. 191–202 in Kumaraswamy, P. R. and Roy, Meena Singh (eds.), *Persian Gulf 2016–2017: India’s Relations with the Region* (New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses and Middle East Institute, first edition, Pentagon Press, 2018), p. 197.
- Kumar, Jatin, “Oman,” pp. 101–117, in Kumaraswamy, P. R. and Roy, Meena Singh (eds.), *Persian Gulf 2016–2017: India’s Relations with the Region* (New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses and Middle East Institute, first edition, Pentagon Press, 2018), p. 109.
- Melkumyan, Elena, “A Political History of Relations Between Russia and the Gulf States,” Research Paper, Arab Center for Research and Policy Studies, December 2015, p. 12.
- Mishra, Premanand, “Iraq,” pp. 71–84, in Kumaraswamy, P. R. and Roy, Meena Singh (eds.), *Persian Gulf 2016–2017: India’s Relations with the Region* (New Delhi: Institute for Defence Studies and Analyses and Middle East Institute, first edition, Pentagon Press, 2018), pp. 128–88.
- A. A.-D. ARAFAT
- Miyake, Kuni, “China as a Middle East Power: The Pros and Cons of a More Assertive and Capable China in the Gulf and Beyond,” *China’s Bluewater Navy Series*, Center for a New American Security, Washington, March 2017), p. 4.
- Renz, Bettina, “Why Russia Is Reviving Its Conventional Military Power,” *Parameters*, Vol. 46, No. 2, 2016, pp. 23–36 (p. 30).
- Sladden, James, et al., “Russian Strategy in the Middle East,” RAND Corporation, 2017, p. 5–6.
- Soliev, Nodirbek, “Growing Uighur Militancy: Challenges for China,” *RSIS Commentary*, No. 27, Rajaratnam School of International Studies (RSIS), Singapore, February 4, 2016, p. 1.
- Sørensen, Camilla T. N. (ed.), “China in Search of ‘Legitimate’ Great Power Intervention,” Conference Report, Danish Institute for International Studies (DIIS), Denmark, 2016. International Crisis Group, *Central Asia’s Silk Road Rivalries* International Crisis

Group, Europe and Central Asia Report No. 245, July 27, 2017, p. 5.

Sullivan, Paul, "Does China Enhance Stability in the Middle East?" p. 43; Daojiong, Zha and Meidan, Michal, "China and the Middle East in a New Energy Landscape," Research Paper, Asia Programme, Chatham House, The Royal Institute of International Affairs, October 2015, pp. 11–12.

Trenin, Dmitri, Russian in the Middle East: Moscow's Objectives, Priorities and Policy Drivers (Washington: Carnegie Endowment for International Peace, 2016), p. 1.

Zou, Zhiqiang, "Oil and Beyond: Sino-Saudi Strategic Economic Relationship," International Journal of African and Asian Studies, Vol. 16, 2015, pp. 49–57 (pp. 50–51).